

موازنه افشای حریم خصوصی خانوادگی چهره‌های مشهور در رسانه‌ها و آزادی بیان در رویه نهادهای قضایی

امیر مقامی^{۱*}، نادیا عطاران^۲

چکیده

زندگی خصوصی چهره‌های ورزشی، هنری یا سیاسی همیشه جذاب است و این جذابیت، روحیه کنجکاو مردم و غفلت برخی چهره‌ها موجب می‌شود که جزییات زندگی خانوادگی افراد مشهور در رسانه‌ها منتشر شود. موافقان انتشار چنین اخباری بر این عقیده‌اند که حوزه حریم خصوصی برای آنها بسیار کمتر از افراد دیگر است، و آزادی بیان برای جامعه‌ای دموکراتیک ضروری است؛ اما مخالفان بر آن‌اند که هر انسانی حق دارد حوزه خصوصی داشته باشد و قانون نیز باید از آن محافظت کند. رویه‌های قضایی نشان می‌دهند که در اغلب موارد افشای حریم خصوصی، نفع اجتماعی ندارد. در مقابل، گاهی رفتار خود افراد مشهور به رسانه‌ها حق می‌دهد که در زندگی خصوصی و خانوادگی آنها کنجکاو کرده و به آزادی بیان استناد کنند. تحقیق تحلیلی-توصیفی حاضر نشان می‌دهد که میان دو حق آزادی بیان و حریم خصوصی در یک سری موارد تزاخم وجود دارد که نظام‌های حقوقی مختلف هر کدام به نحوی این تزاخم را حل کرده‌اند.

کلیدواژگان

افراد مشهور، حریم خصوصی، رسانه، شهرت، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

۱. استادیار، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان (نویسنده مسئول).
Email: Amir.maghani@live.com

۲. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان.
Email: Mehrayeen1974@yahoo.com

مقدمه

تعریف مفهوم حریم خصوصی بسیار دشوار است و هنوز تعریفی جامع و مانع برای آن ارائه نشده است. این مسئله به این دلیل است که در فرهنگ‌های مختلف، حریم خصوصی به گونه‌ای متفاوت تبیین می‌شود. «وستن» تأکید می‌کند که در جامعه آزاد با رعایت استثناهایی برای منافع عمومی، اختیار تصمیم‌گیری در مورد اینکه اطلاعات شخصی افراد چه زمانی و در چه شرایطی برای عموم مردم قابل افشا باشد، باید با خود آنها باشد. برای تعیین اینکه چه چیزی مشمول حریم خصوصی است، دو ضابطه شخصی و نوعی وجود دارد. ضابطه نوعی، قائل به وجود خط قرمز عرفی است؛ اما ضابطه شخصی که مبتنی بر رضایت و تمایل شخص نسبت به انتشار یا عدم انتشار اطلاعات شخصی است، بیشتر مورد حمایت قرار گرفته است (انصاری، ۱۳۹۳: ۱۲۸). از این رو حریم خصوصی را باید به این صورت تعریف کرد: «حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات در مورد اینکه برای خویشان تعیین کنند که چه زمانی، چگونه و تا چه اندازه‌ای اطلاعات مربوط آنها به دیگران قابل مخابره باشد» (westin, 1967: 7).

دیوان اروپایی حقوق بشر اظهار داشته است که «به نظر بیش از حد محدودکننده است که مفهوم زندگی خصوصی را به دایره‌ای از حریم خصوصی محدود کنیم که در آن هر فرد می‌تواند زندگی خصوصی خود را به میل خود انجام دهد و جهان خارج را کاملاً از آن مستثنا کند. احترام به زندگی خصوصی افراد باید همچنین مشتمل بر حق افراد در ایجاد و ارتقای روابط با هم‌نوعان خویش نیز باشد» (ECHR, 1993: para 29).

در ایتالیا، قضات دادگاه عالی در دعوی مربوط به نقض حریم خصوصی که از طرف خانم «ثریا اسفندیاری»^۱ اقامه شده بود^۲ و در آن وی مدعی شده بود که حریم خصوصی وی به علت تجاوز به منزلش و حقیقت نسبت به تصویرش و بی‌اعتبار کردن شهرتش نقض شده است، سعی کردند به ارائه تعریفی از حریم خصوصی بپردازند:

۱. حریم خصوصی داخلی، که مربوط به حمایت از منزل می‌شود و به نظر دادگاه شاید بتوان حق انسان به تنها بودن را معادل آن تلقی کرد.
۲. قلمرو زندگی فردی و خانوادگی و برخی از اشکال روابط غیرقانونی و بین‌شخصی از جمله در بیرون منزل و مکاتبات.

۱. ثریا اسفندیاری، همسر قبلی محمدرضا پهلوی بوده است. قضیه از این قرار بوده است که روزنامه‌ای در میلان به‌طور هفتگی مطالب خود را به افشای حوادث خانواده‌های سلطنتی اختصاص داده بود و عکس‌هایی را از خانم اسفندیاری، که تا آن موقع منتشر نشده بود، منتشر می‌کرد. این عکس‌ها خانم اسفندیاری را در حال ابراز تمایلات عاشقانه به یک هنرپیشه در ویلای خود در رم نشان می‌داد.

2. Cass., 27 maggio 1975, n. 2129, in Foro it., 1976, I, c. 2895. I available at: https://www.jstor.org/stable/23173994?seq=1#page_scan_tab_contents

۳. حق انسان به اینکه زندگی خصوصی‌اش به وسیله دیگران مورد توجه و احترام قرار گیرد. به نظر دادگاه مفهوم اول مضیق، مفهوم دوم معقول و منطقی و مفهوم سوم بسیار موسع است و در نتیجه ارائه تعریفی منجز و منحصر از حریم خصوصی کار درستی نیست. چون لازم است که تعریف حریم خصوصی به لحاظ انطباق با نیازهای مختلف زمان و مکان انعطاف‌پذیر باشد (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۲۸).

حریم خصوصی با کرامت انسانی ارتباط تنگاتنگ دارد. به همین دلیل، حق حریم خصوصی از مصادیق مهم حقوق بشر است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر به غیرقابل تعرض بودن آن اشاره شده است.

به‌عنوان کانون تمرکز این مقاله، حریم خصوصی در زندگی خانوادگی اصطلاحی است که کمتر در ادبیات حقوقی به‌عنوان حقی مستقل مطالعه شده است. برای روشن شدن این اصطلاح در ابتدا باید زندگی خانوادگی را تعریف کنیم. در واقع هر آنچه در درون خانواده و میان اعضای آن می‌گذرد، جزو حریم خصوصی خانوادگی محسوب می‌شود. اما مفهوم خانواده در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. اما با تأمل در تعابیر کمیته حقوق بشر (CCPR, 1988: para 5) و آرای دیوان اروپایی حقوق بشر به‌عنوان یک مرجع مهم می‌توان دریافت که آنچه به خانواده معنا می‌بخشد، الزام ناشی از وجود رابطه قانونی نیست، بلکه روابط عاطفی میان اعضای آن اهمیت بیشتری دارد. از این‌روست که اگرچه کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۱۶ از تعریف «خانه» و «خانواده» شانه خالی می‌کند، دیوان اروپایی در تفسیر مفهوم خانواده در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی، معتقد است این مفهوم حتی در غیاب زندگی مشترک شامل رابطه فرد با فرزندان می‌شود، حتی اگر این رابطه مشروع و طبیعی نباشد. به‌طور کلی دیوان در مورد وجود یا نبود خانواده، براساس معیارهای واقعی و عینی عمل می‌کند. آنچه برای دیوان اهمیت دارد، روابط شخصی تنگاتنگ است (Kilkelly, 2003: 16).

براساس نظر دیوان تنها مفهوم خانواده به ازدواج محدود نمی‌شود، و ممکن است روابط دیگری را نیز در برگیرد. فاکتورهایی در شناسایی یک رابطه به‌عنوان خانواده مؤثر است؛ از جمله محل اقامت مشترک، طول دوران رابطه، و اینکه آیا طرفین پایبندی به تعهد خود را به یکدیگر مثلاً به‌وسیله داشتن فرزند یا هر وسیله دیگری نشان داده‌اند یا نه (Roagna, 2012: 27).

امروزه با پیشرفت فناوری نقض حریم خصوصی در رسانه‌ها گسترش بیشتری پیدا کرده است. مردم با بمباران اطلاعات در خصوص اینکه کدام فرد مشهور با دیگری ازدواج کرده یا طلاق گرفته است، مواجهند. آیا مردم واقعا به این اطلاعات نیاز دارند؟ آیا افراد مشهور باید از حریم خصوصی برخوردار باشند یا خیر؟ آیا نقض حریم خصوصی خانوادگی افراد مشهور تاوانی است که باید برای شهرت بپردازند؟

خیلی از افراد مشهور به‌خصوص آنهایی که با یکدیگر ازدواج می‌کنند، تا وقتی که همه چیز

میانشان به خوبی و خوشی است، از توی ویتترین گذاشتن زندگی خانوادگی خود در مقابل رسانه‌ها لذت می‌برند و از این راه درآمد کسب می‌کنند. در این مواقع هیچ حرفی از حق حریم خصوصی زده نمی‌شود. اما پس از اینکه کار به طلاق و شکایت و خیانت و... می‌رسد، فریادهای بسیاری در خصوص نقض حریم خصوصی افراد مشهور شنیده می‌شود. وقتی ستاره‌ای سود بسیاری را از افشای زندگی خصوصی خود برده، طبعاً نمی‌تواند از زیر بار ضررهایش شانه خالی کند. هرروزه مطالب و عکس‌های زیادی را در مورد زندگی خصوصی اشخاص مشهور در مجلات و شبکه‌های اجتماعی مشاهده می‌کنیم و از طرفی اعتراض‌های بسیاری را هم از سمت افراد مشهور مبنی بر نقض حریم خصوصی زندگی خانوادگی‌شان می‌شنویم. به‌راستی در این بین حق با کیست؟ با روزنامه‌نگاران که حق آزادی بیان دارند یا با مردم که حق آگاه شدن دارند یا با افراد مشهور که حق حریم خصوصی دارند؟

۱. حق بر حریم خصوصی و حق رسانه‌ها در نظریات علمای حقوق و

اسناد بین‌المللی

طرح مسئله حق مصونیت در خلوت فردی، برای اولین بار از کنجکاوی علمی، پژوهشی و حقوقی سرچشمه نگرفت، بلکه در سال ۱۹۸۰ سامویل دی وارن^۱ و لوییس براندیس^۲ مقاله‌ای چاپ و منتشر کردند. این مقاله در واقع علیه خبرنگارانی که در مورد زندگی خصوصی افراد کنجکاوی نشان می‌دادند، تهیه شده بود. آقای وارن از انتشار گزارش مربوط به ضیافتی که در منزل وی برپا شده بود، به‌شدت خشمگین بود (هوسمن، ۱۳۷۵: ۴۳). بی‌شک شهرت می‌تواند تأثیر زیادی روی زندگی فرد بگذارد و همه آثار آن مثبت نیست. یکی از مهم‌ترین تغییرها، این است که بهره‌مندی از حریم خصوصی برای او مشکل خواهد شد.

صنعت روابط عمومی که رشد روزافزونی دارد، پیرامون افراد خاص، جاروجنجال به راه می‌اندازد، آنها را به شهرت می‌رساند و از تصویر آنها در جنگ همیشگی تصاویر حفاظت می‌کند. در این وضعیت، همیشه خطر درگیر شدن افراد مشهور با عواقب تکثیر تصاویر منفی و سقوط از درجه شهرت وجود دارد (کلنر، ۱۳۸۵: ۱۸۷). سؤال اولی که مطرح می‌شود این است که اساساً فرد مشهور کیست یا چه کسانی مشهور می‌شوند؟ این سؤال با توجه به فرهنگ‌های مختلف پاسخ‌های متفاوتی دارد، اما در کل می‌توان گفت فرد مشهور کسی است که رهبری مستقیم یا غیرمستقیم بخشی از زندگی مردم را بر عهده دارد؛ در اذهان عمومی از قدرت نسبی برخوردار است؛ به‌واسطه موفقیتش شهرت کسب کرده است؛ از طریق دیده شدن یا شنیده

1. Samuel Warren
2. Louis Brandies

شدن توسط مردم معروف است؛ در عرصه رسانه‌ای نمایان است و احتمالاً تجسم رؤیایها و آرزوهای تحقق نیافته مردم است.

فرانچسکو آبرونی، جامعه‌شناس معاصر، شرایط زیر را برای بروز مشاهیر لازم می‌داند: شرایط اقتصادی لازم که به ساخت متن رسانه‌ای مانند فیلم، برنامه تلویزیونی، موسیقی، کتاب و ... منجر می‌شود. توانایی نمایندگان مشاهیر که به معرفی و تبلیغ آنان منجر می‌شود و توانایی‌های فردی یک فرد مشهور در ارتباط برقرار کردن با ناخودآگاه جمعی مردم و درک نیازهای آنان (Leslie, 2011: 17).

روجک^۱ افراد مشهور را شامل سه دسته می‌داند؛ در دسته نخست، مشهور بودن به اصل و نسب افراد مربوط می‌شود. این گروه شامل خانواده‌های سلطنتی، اشراف و خاندان‌های سیاسی است. دسته دوم، مربوط به دستیابی به شهرت از طریق رقابت و قابلیت‌های فرد است. این گروه شامل اندیشمندان، روشنفکران، بشردوستان، کارآفرینان، تجار، هنرمندان، موسیقیدان‌ها، نویسندگان، قهرمانان، کاشفان، سیاستمداران، ستاره‌های ورزشی، ستاره‌های سینما، مدل‌ها و ... می‌شود. گروه سوم نیز شامل کسانی است که شهرت آنها حاصل نمایش متمرکز واسطه‌های فرهنگی است. بسیاری از افراد مشهور امروزه در این دسته قرار می‌گیرند (Callender Smith, 2014: 18). گروه سوم افرادی هستند که به وسیله نمایش و مطرح کردن بیش از اندازه خود در رسانه‌ها مشهور می‌شوند و به اصطلاح حاشیه‌سازی می‌کنند. بسیار دیده شده که فوتبالیست یا هنرپیشه‌ای که سطح اول نیست، با جنجال آفرینی و ظاهر شدن پیوسته بر روی جلد مجلات و برنامه‌های تلویزیونی به سبب اعمال خارج از عرفش به فرد بسیار مشهوری تبدیل شده است. گاهی حتی همسران و فرزندان افراد مشهور هم این‌گونه شهرت کسب می‌کنند.

هرچه در جامعه‌ای عقب‌ماندگی فرهنگی بیشتر باشد، تعداد افرادی که بدون توانایی و مهارت خاص، شهرت کسب می‌کنند، بیشتر می‌شود و در چرخه معیوب، این افراد فاقد توانایی، نقش الگو را در جامعه ایفا می‌کنند. رابطه رسانه‌ها با افراد مشهور همیشه درگیر تنش‌های بسیار بوده و یکی از مهم‌ترین دلایل این تنش‌ها مسئله حریم خصوصی در زندگی خانوادگی است. مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه حق حریم خصوصی در زندگی خانوادگی به‌عنوان جزئی خاص از حق بر حریم خصوصی عبارت‌اند از ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر. این دو سند اگرچه تعابیر متفاوتی را به‌کار برده‌اند، مشترکاً حاوی دو نوع تعهد برای دولت‌ها هستند. نخست تعهدات مقامات به اینکه در زمینه حریم خصوصی اقدامات ایجابی انجام دهند^۲ و

1. Chris Rojek, *Celebrity Reaktion* Books London 2001

۲. دادگاه استراسبورگ در دعوی زیر به تعهد مثبت کشورها در خصوص حق بر حریم خصوصی اشاره کرده است:

دیگری تعهدات مقامات به اینکه اقدامات سلبی لازم را در خصوص عدم مداخله در حریم خصوصی ایجاد کنند.

از دیدگاه دیوان اهمیت ماده ۸ به اندازه ماده ۱۰ در خصوص آزادی بیان است. دیوان معتقد است که باید حد تعادلی میان این دو ماده و حق‌های ناشی از آنها برقرار شود؛ یعنی باید درک کنیم با توجه به هر دعوا در رقابت منافع حاصل از آزادی مطبوعات و حق حریم خصوصی کفه ترازو با کدام است؟ دادگاه باید زمانی حق حریم خصوصی را بر حق آزادی بیان ارجحیت دهد که: ۱. آزادی بیان طریقی برای احقاق منافع عمومی که برای حیات در یک جامعه دموکراتیک ضرورت دارد نباشد؛

۲. اینکه آن موضوع در طبیعت خود خصوصی باشد (Maralyan, 2012: 18).

ماده ۵ اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف بشر تأکید می‌کند که «هر کس حق دارد از حمایت قانون در برابر حملات توهین‌آمیز به عزت، شهرت و زندگی خصوصی و خانوادگی خود بهره‌مند شود»^۱.

در ایالات متحده آمریکا حق آزادی مطبوعات، غالب بر حق حریم خصوصی است، زیرا حق آزادی بیان از اساسی‌ترین حقوق تضمین‌شده در قانون اساسی ایالات متحده است (Maralyan, 2012: 21). دیوان عالی آمریکا بر این نظر بود که واداشتن یک ناشر به تضمین دقت و صحت آنچه منتشر می‌سازد، ممکن است به خودسانسوری منجر شود و براساس اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا ضروری است که برای حمایت از برخی بیان‌هایی که مهم هستند، از برخی سخنان دروغ حمایت شود (اسلامی، ۱۳۹۳: ۴۳۴). بنابراین قانون حریم خصوصی در ایالات متحده، حمایتی به مراتب کمتر از آنچه بیان می‌کند ارائه می‌دهد، زیرا تمام این نوع تعارضات را در واقع به نفع اطلاعات، صراحت و آزادی بیان، حل می‌کند (زندى، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

کنفرانس نروژ نیز تصدیق کرده که ترسیم مرز میان آزادی بیان درباره چهره‌های عمومی و حق حریم خصوصی آنان بسیار دشوار است: «مسئله نمی‌توان در قالب این اصل متعارف که هر جا زندگی عمومی شروع می‌شود زندگی خصوصی خاتمه می‌یابد مرزی میان زندگی خصوصی و زندگی عمومی چهره‌های عمومی ترسیم کرد. زندگی خصوصی چهره‌های عمومی مستحق حمایت است جز در صورتی که اثبات شود این امر به جریان حوادث عمومی ارتباط دارد. حتی این اصل متعارف نیز که «در معرض اخبار قرار گرفتن» به خودی خود ورود به زندگی خصوصی را توجیه می‌کند، کمتر قابل پذیرش است. پیش‌بینی تمام فروض در قانون، نه مطلوب است و

Young, James and Webster v United Kingdom 1981

A v United Kingdom 1998

X and Y v the Netherlands 1985

1. AMERICAN DECLARATION OF THE RIGHTS AND DUTIES OF MAN« 1948.

نه عملاً ممکن ولی منحصرًا نیز نمی‌توان بر خودتنظیمی مطبوعات و دیگر رسانه‌ها یا بر دیگر قواعد رفتاری پیش‌بینی‌شده در سازمان‌های حرفه‌ای مربوط اکتفا کرد^۱.

براساس قانون مربوط به حمایت از اشخاص در مقابل جمع‌آوری، پردازش و انتقال اطلاعات ایتالیا، هر کسی اطلاعات شخصی را جمع‌آوری، پردازش و منتقل می‌کند، چه با وسایل الکترونیکی و چه بدون آن، باید به گارانتی که نهادی است برای نظارت بر رعایت این قانون، اطلاع دهد (معین‌آبادی، ۱۳۸۳: ۲۸۰ و ۲۸۱). به‌نظر می‌رسد این شکل از قانونگذاری برای رسانه‌ها هم حد تعادلی میان دو حق آزادی بیان و حق حریم خصوصی ایجاد می‌کند. براساس دیدگاه بارنس^۲ ما به رسانه‌ها قدرت آزادی بیان را اعطا کردیم تا به بانک‌ها توجه کنند نه اینکه زندگی تایگر وودز را خراب کنند^۳. پررنگ جلوه دادن این مسائل مردم را از توجه به اتفاقات مهم سیاسی بازمی‌دارد و به صاحبان قدرت اجازه می‌دهد تا از هجوم انتقادات بگریزند^۴.

با وجود انتقادات، روزنامه‌نگاران دلایل مختلفی را برای پرداختن به زندگی خصوصی چهره‌های عمومی مطرح می‌کنند، از جمله نقد دورویی کسانی که چهره واقعی‌شان در تضاد با اظهارات بیرونی آنهاست. اگر یک چهره عمومی که به‌دلیل موعظه ارزش‌های خانواده، نجابت و صداقت در ازدواج مورد احترام مردم قرار گرفته است، خیانت به همسرش کشف شود، رسانه‌ها حق دارند این خبر را پوشش دهند و توجه عموم را به آن جلب کنند، زیرا مردم حق دارند در مورد کسی که در مورد ارزش‌های خانواده صحبت می‌کند اما این ارزش‌ها را در خانه خودش رعایت نمی‌کند، بدانند (Cohn Almager, 2003: 6).

توجیه دیگر رسانه‌ها پاسخگویی به افکار عمومی است. چنانکه ممکن است زندگی خصوصی یک شخصیت عمومی، توانایی این شخص را برای انجام وظایف خود به خطر اندازد. بعد از افشای رابطه پنهانی بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده با مونیکا لوینسکی، وی با محاکمه طولانی که او را مقابل افکار عمومی قرار می‌داد، مواجه شد^۵.

سومین توجیه دادوستد رسانه‌ای است؛ به این معنا که اگر آنها بخشی از زندگی خصوصی خود را برای شهرت و محبوبیت بیشتر بفروشند، حق وتوی دیگر بخش‌های آن را ندارند. وقتی افراد مشهور خود خبر ازدواج خود را منتشر می‌کنند و در برنامه‌های تلویزیونی متعددی ظاهر می‌شوند و در خصوص زندگی مشترک موفق خود صحبت می‌کنند، نمی‌توانند توقع داشته باشند که رسانه‌ها در مورد طلاق آنها سکوت کنند و این خبر را منتشر نکنند.

1. Nordic Conference of Jurists on The Right to respect for privacy 1976

2. Robin Barnes

۳. تایگر وودر ستاره گلف جهان بود که به‌سبب افشای روابط نامشروع اخلاقی‌اش مجبور به ترک دنیای حرفه‌ای ورزش شد.

4. <http://today.uconn.edu/2010/10/the-price-of-fame-celebrities-and-the-right-to-privacy/>

5. News week اولین نشریه ای بود که به داستان مونیکا لوینسکی و ارتباطش با بیل کلینتون پرداخت.

همچنین چهره‌های عمومی نقش الگو را در جامعه بازی می‌کنند، در نتیجه رسانه‌ها این حق را دارند که به جزئیات بیشتری از زندگی آنها بپردازند (Whittle, 2009: 15). می‌توان موارد دیگری را نیز به این فهرست توجیهات اضافه کرد و آن زمانی است که عمل خلاف قانونی اتفاق افتاده باشد و افراد مشهور جزء بازیگران اصلی این اتفاق باشند، مانند آنچه در پرونده قتل لاله سحرخیزان همسر فوتبالیست مشهور ناصر محمدخانی^۱ روی داد. مورد دیگر مربوط به رفتار خود افراد مشهور می‌شود. گاهی رفتار خود این افراد موجب نقض حریم خصوصی زندگی خانوادگی‌شان است. با نگاهی اجمالی به رسانه‌ها به آسانی درمی‌یابیم که تعداد افراد مشهوری که زندگی خصوصی خانوادگی‌شان را به نمایش می‌گذارند تا شهرت و محبوبیت بیشتری کسب کنند، کم نیست. به‌طور مثال بعضی از افراد مشهور با عکس کودکان خود تجارت می‌کنند. براساس گزارش خبرگزاری ای بی سی، جنیفر لویز اولین عکس دوقلوهایش را به مبلغ ۲۵ میلیون دلار به مجله «مردم»^۲ فروخت. علاوه بر این، اعلامیه شورای مطبوعات انگلستان^۳ در این مورد (۱۹۷۶) اعلام کرده است: «انتشار اطلاعات درباره زندگی خصوصی با علائق شخصی افراد بدون رضایت آنان در صورتی قابل قبول است که یک نفع عمومی مشروع که حاکم بر حق حریم خصوصی باشد وجود داشته باشد». اصل ۳ شورای مطبوعات استرالیا^۴ نیز اظهار می‌کند که «مخاطبان مطبوعات حق دارند از اخبار و نظرات به‌طور منصفانه با احترام به حریم خصوصی و احساسات افراد مطلع شوند. با وجود این حق حریم خصوصی نباید از انتشار مسائلی که سابقه عمومی دارند یا به‌طور آشکار در خصوص منافع عمومی است جلوگیری کند»^۵ (Colvin, 2002: 187).

مسئله‌ای که بسیار اهمیت دارد این است که چه اموری شامل منافع عمومی می‌شوند؟ دیدگاه رسانه‌ها و افراد مشهور در این خصوص متفاوت است. افشای روابط نامشروع یک فرد مشهور از دیدگاه رسانه‌ها به‌نوعی مشخص کردن شخصیت واقعی و عدم صلاحیتش برای بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی حساس است، اما افراد مشهور این مسئله را نقض حق حریم خصوصی در زندگی خانوادگی تلقی می‌کنند و ادعا می‌کنند که زندگی خصوصی آنها ارتباطی به زندگی شغلی و اجتماعی آنها ندارد. قاضی فیلیپسون در این مورد معتقد است که اطلاعات مربوط به روابط جنسی از نظر منافع عمومی بی‌ارزش‌اند (زیرا آگاهی از آن منفعتی برای جامعه ندارد) (استنلی، ۱۳۹۱: ۵۸).

۱. فیلم کارت قرمز مستندی کامل در خصوص محاکمه شهلا جاهد و مسائلی از زندگی خصوصی او و ناصر محمدخانی است. ناصر محمدخانی بازیکن سابق تیم پرسپولیس و تیم ملی فوتبال ایران است.

2. People

3. The Press Council Declaration of Principle on Privacy in the UK (1976)

۴. این شورا به این نتیجه رسیده است که روزنامه‌ها نمی‌توانند به منافع عمومی تکیه کنند، درحالی‌که به جزئیات طلاق یک سیاستمدار از جمله ادعای کتک زدن همسرش بپردازند.

5. Australian Press Council, Statement of Principles, October 1996

قاضی اوسلی معتقد است که «در زندگی یک فرد، مجموعه‌ای متنوع از روابط وجود دارد ... سرشت رابطه، سرشت عملی که انجام می‌گیرد و تمامی شرایطی که آن عمل در ضمن آنها به انجام رسیده، بر روی نسبت دادن کیفیت محرمانه بودن به یک عمل براساس قانون مؤثر می‌باشند» (کری، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

به نظر می‌رسد استدلال قاضی فلیپسون در این مسئله اخلاقی‌تر باشد، زیرا اساساً اطلاع از روابط جنسی افراد نفعی برای جامعه ندارد و چه بسا ممکن است موجب گسترش فساد در جامعه شود. چون معمولاً افراد مشهور نقش الگو را برای نوجوانان بازی می‌کنند. اعلامیه اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری یونسکو ۱۹۸۳^۱ در اصل ۶ تصریح می‌دارد: احترام به حق فردی، حفظ حریم و اسرار خصوصی و شأن انسانی که با قوانین ملی و بین‌المللی مربوط به حفظ حقوق و شهرت افراد، منع افتراء، تهمت، توهین و مخدوش کردن شهرت افراد، هماهنگ است، بخشی لاینفک از معیارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری محسوب می‌شود.

رویه قضایی درباره حریم خصوصی زندگی خانوادگی برای

چهره‌های مشهور

در بسیاری موارد این خود افراد مشهورند که موجب افشا شدن زندگی خصوصی خانوادگی خود می‌شوند. دلیل این امر این است که هر چه بیشتر از خود بگویند و در رسانه‌های مختلف ظاهر شوند، شهرت بیشتری کسب می‌کنند و به تبع شهرت به ثروت بیشتری هم دست می‌یابند. هنرمندی که زندگی خصوصی خانوادگی‌اش را در معرض نمایش برای عموم قرار می‌دهد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و روی پرده بیشتر می‌فروشد. اما همیشه، این اتفاق مثبت نیست و گاه موجب سقوط چهره‌های مشهور می‌شود.

شهرت در جهان رسانه‌ای، امری برنامه‌ریزی شده، ساخته و مدیریت شده است. در فرهنگ رسانه‌ای، افراد مشهور به شدت در معرض رسوایی قرار دارند. بدیهی است که تصویرهای بد و متخلف هم به فروش می‌رسند و حتی همچون رسوایی بیل کلینتون، بر کل یک دوران اثر می‌گذارند (کلنر، ۱۳۸۵: ۱۸۶). در خصوص برخی انتشار فیلم‌های خصوصی اگرچه بدون برنامه‌ریزی بوده، اما به نفع آنها تمام شده است^۲ (اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

1. international principles of professional ethics in journalism 1983

۲. خرید و فروش فیلم‌های خصوصی افراد مشهور، صحنه‌های رابطه جنسی، مهمانی‌های خصوصی، عروسی‌ها و استخرها رونق زیادی در برخی جوامع نظیر ایران دارد. گاهی در اثر انتشار فیلم‌های روابط جنسی افراد سرشناس، یا فیلم‌هایی که بازنگر به فرد مشهوری شبیه است، جنجال‌هایی در جامعه ایجاد می‌شود.

هالی بری^۱ هنرپیشه هالیوودی می گوید: «من این مسئله را درک می کنم که باید از یک مقدار مشخص از حریم خصوصی خود صرف نظر کنم. با این حال هنگامی که پای فرزندانم وسط کشیده می شود و ترس آنها از اینکه خانه را ترک کنند و احساسشان را در خصوص اینکه نمی توانند در جهان امن زندگی کنند می بینم موجب می شود که به عنوان یک مادر برای بازپس گیری حق خود گام بردارم» (choul hong,2015:1).

افراد مشهور در محیط خانواده، یک همسر یا پدر و مادر هستند و باید وظایف همسری و والدینی را به جا بیاورند و حریم مخصوص به خانواده خود را داشته باشند. همسر و فرزندان افراد مشهور شهرت را به طور داوطلبانه انتخاب نکرده اند و حق دارند مانند همه مردم عادی از حریم خصوصی برخوردار باشند.

برخورد دادگاهها با مسئله حریم خصوصی کودکان افراد مشهور متناقض است. در پرونده کاپلاس علیه کافمن^۲ دادگاه ایالات متحده آمریکا اجتناب ناپذیری نقض حریم خصوصی را برای تضمین حق بر دانستن مردم را به رسمیت شناخت. در مقابل در دعوی گالا علیه اوناسی^۳، بیوه جان اف کندی و همسر ارسطو اوناسیس موفق شدند از حق حریم خصوصی فرزندانشان در مقابل نزدیک شدن پاپاراتزیها به آنها دفاع کنند (choul hong,2015:2).

در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۸ نامزد دموکراتها از رسانهها خواست که اصل احترام به حریم خصوصی خانوادگی افراد را رعایت کنند. با این حال بارداری دختر نوجوان معاون نامزد حزب جمهوری خواه به تیر همة نشریات تبدیل شد. در نتیجه هر دو طرف مبارزه انتخاباتی از رسانهها خواستند تا به حریم خصوصی فرزندان نامزدها احترام بگذارند. گزارشهای خبری در صورتی می توانند برای نقض حریم خصوصی فرزندان افراد مشهور توجیه کننده باشند که مطالب گفته شده ارزش خبری داشته باشند به طور مثال دختر رودلف جولیان^۴ شهردار سابق نیویورک به جرم دزدی در یک فروشگاه لوازم آرایشی دستگیر شد یا دختران دوقلوی رئیس جمهور سابق آمریکا جورج بوش^۵ به جرم نوشیدن مشروبات الکلی در زیر سن قانونی متهم شدند و (Choul hong,2015: 6). به نظر می رسد که رسانهها تنها زمانی مجاز به انعکاس مسائل زندگی خصوصی فرزندان افراد مشهور در رسانهها هستند که عمل خلاف قانونی از سوی آنها سر زده باشد. مثلاً افشای خبر رانت خواری فرزند یک سیاستمدار از ضروریات زندگی در یک جامعه دموکراتیک که حامی آزادی بیان است، می باشد و نقض حریم خصوصی خانوادگی نیست.

1. HalleBerry
2. Kapellas v. Kofman
3. Galella v. Onassis
4. Rudolph Giuliani
5. President George W. Bush

۱. پاپاراتزی^۱

در ۳۱ اگوست ۱۹۹۷، پرنسس ولز در یک حادثه رانندگی در پاریس کشته شد. پرنسس دایانا و معشوقه‌اش در تلاش برای فرار از برخی عکاسان پاپاراتزی بودند که ماشین آنها را دنبال می‌کردند. پس از مرگ وی، بسیاری از مردم در انگلستان تعارض میان حق آزادی بیان و حق حریم خصوصی را مورد بررسی مجدد قرار دادند (Cohn Almager, 2003: 12).

پاپاراتزی عکاسانی هستند که کارشان تهیه عکس‌های جالب از چهره‌های سرشناس به‌ویژه هنرمندان و ورزشکاران و نیز خانواده و نزدیکان آنان و فروش این تصاویر در مجلات است. این واژه از سال ۱۹۵۹ به بعد با به نمایش درآمدن فیلم سینمایی *لا دولچه ویتا*^۲ بر سر زبان‌ها افتاد. در این فیلم عکاسی خبری وجود داشت که نامش پاپاراتزی بود (Nordhaus, 1999: 286). هنگامی که پاپاراتزی‌ها مخفیانه کمین می‌کنند، سوژه آنها حتی ممکن است از وجود عکس تا زمان انتشار آن مطلع نباشد. در این موارد فرد مشهور باید علیه ناشر اقدام قانونی به‌عمل آورد، زیرا معمولاً هویت عکاس ناشناخته باقی می‌ماند.^۳ در این عرصه پرچالش، فتوژورنالیست درگیر این کشمکش است که بین خدمت‌رسانی به مخاطبان و در عین حال، رعایت حقوق و حریم خصوصی سوژه‌ای که از آن عکاسی می‌کند، توازن برقرار کند. تعقیب و گریز پاپاراتزی‌ها با پرنسس دایانا پوشش سوژه را به شکار سوژه تبدیل کرد و جان او را گرفت^۴ (شکرخواه، ۱۳۸۵: ۲).

در نوامبر ۲۰۰۳ یک دادگاه در فرانسه حکم داد که پاپاراتزی‌ها به حریم خصوصی پرنسس دایانا تجاوز نکردند، زیرا آنها از لاشه ماشین و بدن مجروح پرنسس دایانا و معشوقه‌اش عکس‌برداری کردند و تصادف یک واقعه قابل انتشار است. اما این تصمیم دادگاه به این معنی بود که گروهی اجازه دارند فردی را تا هنگام مرگش تعقیب کنند و سپس اولین تصاویر را از بدن خونین او بگیرند و این عکس را به مبلغ بیش از یک میلیون دلار به فروش برسانند که این چندان با کرامت انسانی سازگار نیست (Scharf, 2006: 167).

قطعنامه مجمع پارلمانی اروپا که پس از مرگ پرنسس دایانا در مورد تزامم دو حق آزادی بیان و حریم خصوصی است، تأکید می‌کند که قربانیان نقض حریم خصوصی اساساً شخصیت‌های عمومی‌اند؛ اشخاصی که مناصب عمومی دارند یا از منابع عمومی استفاده

1. Paparazzi

2. La Dolce Vita

۳. البته دادگاهی در فرانسه یک مجله را به پرداخت ۱۸/۶۰۰ یورو برای چاپ عکس از فرانسوا میتران رئیس‌جمهور سابق فرانسه در بستر مرگ محکوم کرد و نیز عکاسی هم که این عکس را گرفته بود، به پرداخت نمادین بیست سنت به هر یک از اعضای خانواده میتران محکوم شد (Carnegie, 1998: 321).

۴. با وجود مرگ پرنسس دایانا، پاپاراتزی‌ها همچنان به رویارویی‌های خطرناک با افراد مشهور ادامه دادند. به‌طور مثال آنجلینا جولی را در تعقیب و گریز با سرعت بالا درحالی‌که او به فروشگاه اسباب‌بازی رفت تا برای فرزندانش خرید کند، تحت فشار قرار دادند.

می‌کنند یا به‌طور کلی‌تر این اشخاص همه آنهایی هستند که نقشی در زندگی عمومی ایفا می‌کنند، چه در حوزه سیاست باشد یا اقتصاد، هنر یا هر حوزه دیگری. جزییات زندگی خصوصی آنها محرکی برای فروش کالاهای رسانه‌ای محسوب می‌شوند. در عین حال اشخاص عمومی باید متوجه باشند که جایگاهی که در جامعه دارند که در بسیاری از موارد به انتخاب خودشان در آن جایگاه قرار گرفته‌اند، متضمن افزایش فشار بر حریم خصوصی آنهاست.^۱

برای مقابله با پاپاراتزی‌ها راه‌حل‌های مختلفی وجود دارد. جرم‌انگاری فعالیت‌های روزنامه‌نگاران و عکاسان مهاجم یکی از این راه‌حل‌هاست. ایالت کالیفرنیا قانون ضدپاپاراتزی را به تصویب رسانده است که مسئولیت شبه‌جرم را برای حملات برنامه‌ریزی‌شده به حریم خصوصی از طریق عکاسی، فیلم‌برداری یا ضبط صدای یک فرد که مشغول امور شخصی و خانوادگی خود است، شامل می‌شود (Wacks, 2010: 137).

با وجود تمام اقداماتی که علیه پاپاراتزی‌ها در سالیان اخیر انجام گرفته است، آنها همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند، زیرا رسانه‌های زرد با استفاده از عکس‌های آنان و افشاگری درباره زندگی خصوصی مشاهیر درآمد هنگفتی کسب می‌کنند.

۲. حریم خصوصی سیاستمداران

سروصدای زیادی که همیشه طی مبارزات انتخاباتی اتفاق می‌افتد و حرف‌هایی که در خصوص حریم خصوصی زندگی خانوادگی نامزدها در این میان گفته می‌شود، این سؤال را در ذهن بینندگان مطرح می‌کند که رسانه‌ها تا چه اندازه حق افشای مسائل خصوصی خانوادگی نامزدها را دارند؟ طرفداران نقض حریم خصوصی سیاستمداران معتقدند کسی که قرار است اداره امور جامعه را بر عهده بگیرد، باید هم در زندگی کاری و هم در زندگی شخصی خود الگو باشد. همچنین کسی که حامی ارزش‌های اخلاقی در خانواده است، در امور شغلی هم ارزش‌های اخلاقی را رعایت می‌کند. اما تاکنون مثال‌های بسیاری دیده شده که این نظریه را نقض می‌کند. بسیاری از سیاستمداران موفق، زندگی خانوادگی سالمی نداشتند و بسیاری از سیاستمدارانی که فساد مالی و سیاسی بسیاری را به‌وجود آوردند، در زندگی خانوادگی خود هنجارهای اخلاقی را رعایت می‌کردند.

مطابق دکترین آمریکایی، همین که شخصی واجد یک شخصیت عمومی شود، کافی است تا تمام جنبه‌های زندگی وی را برای رؤیت و نظارت عموم، مجاز گرداند. از این‌رو هیچ محدودیتی بر انتشار اسرار زندگی خصوصی آنها وجود ندارد. اما در دکترین آلمانی، برخی جنبه‌های زندگی شخصی افراد همیشه مصون از نظارت و بازرسی دیگران هستند، حتی اگر مستقیماً به وظایف

1. Resolution 1165 (1998) available at <http://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-en.asp?fileid=16641&lang%20=en>

یا صلاحیت‌های یک شخص عمومی نسبت به اداره عمومی مربوط باشند. این نظر در کشورهای اروپایی و بسیاری از دیگر کشورها، مورد پذیرش واقع شده است (انصاری، ۱۳۹۳: ۳۱). آرکارد^۱ معتقد است که عمومی کردن یک امر خصوصی باید تنها راه نیل به غایتی ارزشمند باشد و نه یکی از راه‌های نیل به آن غایت. هر نقضی در حریم خصوصی باید با دلایل محکمی در علت نقض همراه باشد. کشف اشتباهات جنسی یک عضو کابینه می‌تواند دورویی او و عدم تناسب او برای مقامی خاص را نشان دهد. اما اگر همین نکته را بتوان با توجه به رفتار عمومی او نشان داد، افشای رفتار خصوصی او بیهوده است. آرکارد در توضیح این نظر خود به این نکته نیز توجه دارد که روزنامه‌نگاران قادرند کنش‌های خود را توجیه کنند. برای مثال در بیان مفید بودن افشای روابط جنسی یک سیاستمدار به این توضیح متوسل می‌شوند که با افشاگری خود، دروغ‌ها و غیرقابل اعتماد بودن وی را نشان داده‌اند. اما همین افشا بخشی از عموم را که از مشاهده رفتار جنسی دیگران لذت می‌برند، ارضا می‌کند. به همین دلیل اگر ادعا شود که غایتی شریف در پی افشای مطالبی قرار دارد و در اصل قصد ارضای امیال پست خوانندگان باشد، ریاکاری شده است و باید از آن دوری گزید (Kieran, 1998: 85).

چندی پیش «فرانسوا اولاند»^۲ رئیس‌جمهور فرانسه به دلیل انتشار خبری درباره رابطه وی با یک بازیگر زن از مجله‌ای با نام کلوزر^۳ شکایت کرد. هفته‌نامه مذکور برای اثبات ادعای خود اقدام به انتشار عکس‌هایی در این باره کرد. در یکی از تصاویر عکس فردی شبیه به یکی از محافظان اولاند وجود داشت. فرد دوم اولاند بود که وارد ساختمان شده و پس از مدتی از آن خارج می‌شود. اما در این میان سؤالات بسیاری برای مردم و مطبوعات فرانسه مطرح شد، از جمله اینکه آیا نشستن اولاند در پشت موتورسیکلت برای رفتن به خانه بازیگر زن از نظر امنیتی بی‌خطر بوده است؟ آیا این کار رئیس‌جمهور فرانسه را در معرض خطر حمله یا آدم‌ربایی قرار نداده بود؟ همچنین یک رشته پرسش‌هایی مطرح می‌شود که جنبه سیاسی آنها بیشتر است: آیا دیدن رئیس‌جمهوری که با کلاه سیاه مخصوص موتورسواری در پشت موتورسیکلت نشسته، به وجهه مقام ریاست جمهوری فرانسه لطمه نزده؟ آیا شخص او موجب نشده که مورد تمسخر که خطرناک‌ترین نحوه برخورد با یک سیاستمدار منتخب است قرار گیرد؟^۴

همه اینها سؤالاتی است که موجب می‌شود قضاوت در مورد میزان حریم خصوصی یک مقام سیاسی که پست بسیار حساسی هم دارد، بسیار دشوار شود. نمی‌توان این مسئله را انکار کرد که معمولاً از مقامات سیاسی انتظار می‌رود هنجارهای خاصی را در زندگی خصوصی خود رعایت کنند تا بتوانند به‌عنوان یک رهبر در محیط کار و از منظر مردم خود پذیرفته شوند.

1. David Archard

2. François Hollande

3. Closer

4. <http://www.bbc.com/news/world-europe-25711091>

در قضیه فون هانوفر علیه آلمان پاپاراتزی‌ها عکس‌هایی از پرنسس موناکو را بدون رضایت او منتشر کردند. در این پرونده، دیوان نقض ماده ۸ کنوانسیون را اعلام کرد و بر این نظر بود که «هر کس، حتی اگر برای عموم شناخته شده باشد، باید قادر باشد از حمایت مشروع مورد انتظار و حرمت زندگی خصوصی برخوردار باشد و استدلال دولت آلمان را مبنی بر اینکه قرار دادن خواهان در زمره افراد مشهور باید حق وی بر حریم خصوصی را محدود کند، نپذیرفت و بر این نظر بود که اگرچه پرنسس موناکو در زمره اشخاص عمومی قرار دارد، اما در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقشی ندارد و مقام رسمی محسوب نمی‌شود. دیوان در این قضیه هویت شخصی از جمله نام و عکس افراد را در زمره حریم خصوصی آنها در نظر گرفت و تأکید کرد که اگرچه آزادی بیان در اجتماعی دموکراتیک حقی اساسی محسوب می‌شود، اما رسانه‌ها نباید پا را از محدوده‌ها فراتر گذارند و به‌ویژه نباید حقوق دیگران را نقض کنند (ECHR, 2004: para 61-73).

در دعوی لینگن علیه اتریش، لینگن روزنامه‌نگاری بود که در مقاله‌ای از دوستی صدراعظم اتریش با شخصی که سابقه نازیسم داشت، انتقاد کرده بود. دادگاه اروپایی دولت اتریش را محکوم کرد، زیرا دادگاه دریافت که در این دعوا نقض ماده ۱۰ کنوانسیون صورت گرفته و دادگاه این مسئله را مدنظر قرار داده است که انتقاد از یک شخص که موقعیت سیاسی حساس و مهمی دارد، در یک جامعه دموکراتیک ضروری است. دادگاه اروپایی حتی به این نکته هم اشاره کرد که حتی اگر حقایق منتشره از سوی لینگن ثابت هم نمی‌شد ناقض ماده ۱۰ کنوانسیون نبود، زیرا ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی، نیاز به اثبات درستی نظرها و انتقادات درباره یک شخص سیاسی را برای یک جامعه دموکراتیک ضروری نمی‌داند (Maralyan, 2012: 18, 19).

پس از دعوی لینگن علیه اتریش^۱، دیوان به آرامی شروع به شناسایی تراحم واقعی بین حق آزادی بیان و حق بر شهرت افراد کرد. در پرونده‌های بعدی نظیر فلدک علیه اسلواکی^۲، لنسیک علیه اسلواکی^۳ و رادیو فرانسه علیه فرانسه^۴، دیوان صریحاً اظهار کرد که حق حمایت از شهرت یک فرد یکی از حقوق تضمین شده در ماده ۸ به‌عنوان یک عنصر از حق احترام به زندگی خصوصی به‌شمار می‌رود (Smit, 2010: 192-193).

دادگاه اروپایی، حریم خصوصی برای مقامات سیاسی را نسبت به دیگر شخصیت‌های عمومی کمتر در نظر گرفته است، زیرا در یک جامعه دموکراتیک، مقامات دولتی باید کاهش حریم خصوصی خود را به‌عنوان توانی برای حفظ ارزش‌های دموکراتیک بدانند.

با توجه به موضع این دادگاه‌ها می‌توان دریافت که حق حریم خصوصی درباره سیاستمداران کمتر از دیگر افراد مشهور می‌باشد که علت آن مسئولیت سنگینی است که این افراد بر عهده

1. ECHR, *Lingen v. Austria* (1986)

2. *Feldek v. Slovakia*

3. *Lesnik v. Slovakia*

4. *Radio France v. France*

دارند. اما این تأکید عموم مردم و رسانه‌ها بر زندگی خصوصی این افراد همیشه هم نتایج مثبتی در پی ندارد. به‌طور مثال تصمیم فرماندار سابق ایندیانا، میچ دنیلز^۱ به عدم شرکت در انتخابات حزب جمهوری خواه برای ریاست جمهوری ۲۰۱۰ به دلیل نگرانی در خصوص حریم خصوصی‌اش بود که این نگرانی از نقض حریم خصوصی ناشی از رفتار خودش نبود، بلکه مربوط به رفتار همسرش بود. او دنیلز و بچه‌هایش را ترک کرده و طلاق گرفته بود (Price, 2014: 2-3). گاهی این دخالت رسانه‌ها در حریم خصوصی افراد، به نهاد خانواده افراد ضربه می‌زند. به عقیده نایجل^۲، تهاجم رسانه‌ها به زندگی خصوصی مقامات سیاسی موجب می‌شود نامزدهایی که زندگی خصوصی منطبق با هنجارها ندارند، بی‌اعتبار شوند. در حالی که این بی‌اعتبار شدن ربطی به شایستگی یا مدرک تحصیلی آنها ندارد (Price, 2014: 7). مبارزات انتخاباتی ۱۹۸۸ را می‌توان با توجه به نوع دیدگاه ما از سیاست آمریکا، نقطه اوج یا حسیض مسئله مورد بحث تلقی کرد. گری هارت^۳ پس از افشای ماجرای بی‌بندوباری اخلاقی و خیانت به همسرش، از مبارزات انتخاباتی کناره‌گیری کرد (هوسمن، ۱۳۷۵: ۴۹).

۳. فعالان ورزشی و هنری

افراد مشهور از رسانه‌ها برای مطرح شدن هرچه بیشتر استفاده می‌کنند. عده‌ای معتقدند که این به پاپاراتزی‌ها اجازه می‌دهد که از آنها در هر کجا و هر زمان عکس بگیرند. در واقع در این بین یک معامله وجود دارد که همان اندازه که در آن پول هست، رسوایی هم وجود دارد. تقریباً تمامی افراد مشهور انتخاب می‌کنند که در روی جلد مجلات حضور داشته باشند و در معرض چشم عموم باشند. اما این به این معنا نیست که کلاً هیچ حریم خصوصی‌ای وجود نداشته باشد. پرونده مایکل داگلاس علیه هلو^۴، از معروف‌ترین پرونده‌ها در خصوص حریم خصوصی افراد مشهور است. «ایکل داگلاس» ستاره سینما و همسرش در ضمن یک قرارداد حق عکاسی انحصاری مراسم ازدواج خود را به مجله اوکی^۵ فروخته بودند. به دلیل انحصاری بودن عکس‌ها، امنیت گسترده‌ای برای این مراسم در نظر گرفته شده بود تا مهمانان از آوردن تجهیزات گرفتن عکس خودداری کنند. با این حال یک عکاس آزاد موفق به گرفتن عکس از عروس و داماد شد و سپس عکس خود را به مجله هلو فروخت. لیندسی جی قاضی دادگاه نتیجه گرفت که به دلیل ماهیت استثنایی عروسی و اقدامات امنیتی پیشرفته و گران‌قیمت که توسط داگلاس فراهم شده بود؛ این رویداد ماهیت خصوصی داشته و عکس‌های زن و شوهر محرمانه بوده است.

1. Mitch Daniel
2. Thomas Nagel
3. Gary Hart
4. Douglas and zeta zones v. Hello Ltd
5. OK

همچنین قرارداد انحصاری با مجله اوکی، یک راه مشروع و معقول برای کنترل و محدود کردن دخالت رسانه‌ها در حیطه زندگی خانوادگی بوده است. حتی اگر داگلاس به‌عنوان یک چهره شناخته‌شده از عمومیت استقبال می‌کرد، باز هم مراسم عروسی او به‌عنوان حریم خصوصی او می‌بایست مورد حفاظت قرار می‌گرفت (Tomlinson, 2003: 1).

در دعوی مک کنیف علیه عش^۱، خواننده مشهور کانادایی شکایتی را مبنی بر جلوگیری از چاپ چکیده کتابی که خانم عش، دوست سابقش درباره زندگی خصوصی او نوشته بود، مطرح کرد. مک کنیف همیشه اطلاعات در خصوص سلامتی و زندگی خصوصی‌اش را مصون نگه می‌داشت. دادگاه تصریح کرد که چون وی در حفظ اطلاعات خصوصی خود تلاش می‌کرده است، ادعای او مشمول ماده ۸ کنوانسیون است و ادعای خانم عش مبنی بر حق آزادی بیان مشروح در ماده ۱۰ به دلیل عدم سودمندی و نفع اجتماعی مطرح‌شده مورد پذیرش نیست (Callender Smith, 2014: 53-54).

با توجه به آرایه‌ای که در این پرونده‌ها صادر شده است، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که اشخاص عمومی باید متوجه باشند که با توجه به جایگاهی که در جامعه دارند و در بسیاری موارد به انتخاب خودشان در آن جایگاه قرار گرفته‌اند، به‌طور خودکار فشارها بر حریم خصوصی آنها افزایش خواهد یافت، اما همچنان حق حریم خصوصی آنها به رسمیت شناخته می‌شود. در واقع رفتار خود شخص مشهور در سعی بر حفظ حریم شخصی خود در این مسئله بسیار مؤثر است. چنانکه در دعوی کمپبل علیه ام جی ان^۲ نیز لرد نیکلاس^۳ اظهار کرد که اساساً معیار زندگی خصوصی این است که آیا در رابطه با حقایق فاش‌شده فرد مورد نظر انتظار منطقی از حریم خصوصی را رعایت کرده است؟ (Spearman QC, 2006: 1).

دادگاه استرالیا این استدلال را که رفتار خصوصی شاکی مربوط به موقعیت اجتماعی خود بوده، رد و اشاره کرد که یک موضوع خصوصی می‌تواند به موضوع عمومی تبدیل شود، اگر شاکی قلمرو موضوع را وارد حوزه عمومی کند.^۴ به‌طور مثال با این ادعای شخص که استانداردهای بالای اخلاقی را در زندگی خصوصی خود رعایت می‌کند، وی خواسته است تا وارد حوزه عمومی شود (Colvin, 2002: 180).

در دعوی بکهام علیه گیسون^۵، پرستار سابق فرزندان بکهام از رازهای زندگی این خانواده پرده برداشت. پرستار متهم به نقض مفاد قرارداد خود در مورد منتشر نکردن مسائل خصوصی این زوج بود. قاضی رأی را به نفع روزنامه صادر کرد؛ به این دلیل که این موضوعات مورد علاقه

1. McKennitt v Ash [2006] EWCA

2. Campbell v MGN Ltd [2004]

3. Lord Nicholls

4. Cohen v Mirror Newspapers 1971

5. Beckham v Gibson

عموم مردم است و زوج بکهام قصد خوب نشان دادن ازدواج خود را دارند^۱ (KENYON,2005:20-21).

چندی پیش عکس‌های خصوصی جنیفر لارنس همراه با دیگر چهره‌های مشهور از حساب‌های کاربری‌شان در آی کلود اپل به سرقت رفت و در اینترنت پخش شد. با اینکه تعرض به حریم خصوصی این افراد با واکنش‌های منفی فراوانی روبه‌رو شد، هنوز هم به محض نوشتن جنیفر لارنس در موتور جست‌وجوی گوگل، عبارت‌هایی مانند سلفی خصوصی یا هک به‌عنوان ادامه نوشته به کاربر پیشنهاد می‌شوند و تصاویر برهنه هم به راحتی در دسترس‌اند. به اعتقاد شاکیان، گوگل از قبل سوءاستفاده از زنان سود می‌برد. یک دفتر حقوقی که وکالت شخصیت‌های مشهوری را بر عهده دارد که تصاویر برهنه‌شان در اینترنت منتشر شده، طی بیانیه‌ای به اقدام غیراخلاقی گوگل اشاره کرده است، زیرا دیگر ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی که کاربر و منابع به مراتب کمتری نسبت به گوگل دارند، بلافاصله واکنش نشان داده و تصاویر خصوصی ستاره‌ها را حذف کرده‌اند.^۲

در سال ۲۰۰۸ نیوز اف د ورلد^۳ عکس‌های غیراخلاقی از موسلی^۴ را در یک مهمانی منتشر کرد. او در دادگاه بی‌گناهی خود را ثابت کرد، اما پس از آن به سراغ گوگل آمد و به دسترس بودن ادعاها و عکس‌های مربوط به آن پرونده در موتور جست‌وجوی گوگل اعتراض کرد. موسلی می‌گوید آنچه او انجام داده، مربوط به امور شخصی است، حتی اگر شامل امور جنسی باشد، اما رسانه‌ای که مجرای او را مطرح ساخت معتقد است که از یک راز بی‌شرمانه پرده برداشته است و جایگاه شغلی و اجتماعی موسلی، افشای آن را توجیه می‌کند.^۵ با توجه به آنچه در موتورهای جست‌وجوگر رخ می‌دهد، می‌توان گفت حفظ حریم خصوصی خیلی سخت‌تر از گذشته شده و مسئولیت رسانه‌ها در انتشار خبری که منتشر می‌کنند، بسیار بیشتر از گذشته است.

موسلی سپس مسئله را در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح کرد و خواستار این مسئله شد که اطلاع قبلی اشخاص از چاپ مطالبی در خصوص زندگی شخصی خود الزامی باشد، ولی دادگاه این مسئله را نپذیرفت و اظهار کرد که باید حق آزادی بیان مصرح در ماده ۱۰ کنوانسیون محترم داشته شود. همچنین اطلاع یافتن افراد از آنچه درباره زندگی خصوصی آنها قرار است چاپ شود، شامل ماده ۸ کنوانسیون نمی‌شود. در نتیجه عدم مطلع کردن افراد، نقض

۱. زندگی خصوصی بکهام معمولاً عمومیت پیدا کرده و عدم پرداخت حاشیه‌سازان به زندگی خصوصی او اتفاقی ناممکن است.

۲. <https://www.theguardian.com/technology/2014/oct/02/google-lawsuit-nude-celebrity-photos>

۳. News of The World

۴. رئیس سابق فدراسیون فرمول یک MAX MOSLEY

۵. <https://www.theguardian.com/world/2014/aug/03/internet-death-privacy-google-facebook-alex-preston>

ماده ۸ کنوانسیون نیست (ECHR,2011:para132). دادگاه همچنین به این مسئله اشاره کرد که در بریتانیا، مطبوعات از سیستم خودتنظیمی استفاده می‌کنند، افراد با مراجعه به دادگاه‌های مدنی و دریافت خسارت از حق حریم خصوصی خود در برابر مطبوعات حفاظت می‌کنند و حتی اگر از انتشار مطالب درباره زندگی شخصی خود آگاه باشند، می‌توانند به وسیله دستور موقت جلوی انتشار آن را بگیرند (ECHR,2011,para119).

نتیجه گیری

امروزه قدرت رسانه‌ها بسیار بیشتر از گذشته است و صنعت ستاره‌سازی و قهرمان‌پروری را پیش می‌برند. اشخاص مشهور بیش از گذشته به رسانه‌ها اتکا کرده و از رسانه به‌عنوان اهرم پیشرفت استفاده می‌کنند. در این مبادله همیشگی میان افراد مشهور و رسانه‌ها همیشه این افراد مشهور نیستند که سود می‌کنند، بلکه رسانه‌ها هم از در اختیار گذاشتن اخبار آنها سود به‌دست می‌آورند، اما تفاوت در اینجاست که برای رسانه‌ها فرقی نمی‌کند که این اخبار مثبت باشد یا منفی. همان‌طور که می‌بینید، رفتار خود افراد مشهور تا حد زیادی به رسانه‌ها این حق را می‌دهد که در زندگی آنها کنجکاوی کنند. اگر آنها بخشی از زندگی خصوصی خود را برای محبوبیت بیشتر به رسانه‌ها بفروشند، حق وتوی بخش‌های دیگر آن را ندارند. اما این تنها یک بخش قضیه است و در خصوص افراد مشهوری است که به‌طور مداوم و با خودآگاهی زندگی خصوصی خانوادگی خود را در معرض نمایش می‌گذارند تا به شهرت و ثروت بیشتری دست یابند. بخش دیگر به افراد مشهوری مربوط می‌شود که از حریم خصوصی خانوادگی خود همواره حفاظت می‌کنند. این دسته از افراد مشهور سزاوار حریم خصوصی و احترام هستند، زیرا یکی از مبانی و ضوابط شناسایی یک امر به‌عنوان امر خصوصی، این است که خود فرد تمایلی به افشای آنها نداشته باشد و نسبت به نمایش زندگی خود احتیاط می‌کند یا دست به انتخاب می‌زند.

در بیشتر موارد نقض حریم خصوصی زندگی افراد مشهور منفعت اجتماعی چندانی ندارد و تنها موجب ریختن آبرو و اعتبار این افراد می‌شود. این مسئله درست است که افراد مشهور به‌طور داوطلبانه در این جایگاه قرار گرفتند و حوزه حریم خصوصی آنها کمتر از انسان‌های معمولی است، اما این اتفاق نباید موجب شود که جزئی‌ترین مسائل زندگی این افراد در معرض نقد و تحلیل واقع شود. از طرف دیگر، خواندن یا شنیدن این موارد برای مردم نه‌تنها مفید نیست، بلکه گاهی موجب اشاعه فساد در جامعه می‌شود، در ثانی وقت زیادی از مردم جامعه به خواندن و دیدن و شنیدن این مسائل بی‌اهمیت تلف می‌شود که خود از دلایل سقوط فرهنگی یک جامعه است. رسانه‌ها باید از آزادی بیان به‌عنوان شمشیری علیه استبداد، فساد و ظلم قدرتمندان استفاده کنند. افشای مسائل خانوادگی یک ستاره سینما را هیچ ضرورت اجتماعی

توجیه نمی‌کند. اما افشای رانت‌خواری و اختلاس یک چهره عمومی در سرنوشت مردم جامعه نقش مهمی بازی می‌کند. در خصوص زندگی خانوادگی رهبران سیاسی هم این قضیه صادق است. در واقع افشای حقایق در خصوص زندگی خانوادگی یک رهبر به این معناست که ما خطر از دست دادن افرادی را که برای رهبری مناسباند، به‌وجود می‌آوریم. در نهایت نتیجه می‌گیریم که در تضاد میان حق حریم خصوصی زندگی خانوادگی و حق آزادی بیان نمی‌توان اولویت را به یکی از آنها داد، بلکه دادگاه باید حد تعادل میان این دو حق ایجاد کند. به‌دلیل اینکه آزادی بیان حق نامحدودی به اینکه شهرت دیگران را تحت تأثیر قرار دهد ندارد و حق حریم خصوصی به حفاظت شدن در برابر تمام انتقادات اعتبار نمی‌دهد. باید با توجه به اوضاع و احوال هر پرونده این مسئله را در نظر گرفت که آیا منفعت اجتماعی مهمی انتشار این‌گونه مطالب را توجیه می‌کند، اگر این‌گونه باشد باید از حق آزادی بیان دفاع کرد، اما اگر جواب منفی باشد، حفظ حریم خصوصی افراد ارجحیت دارد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اسلامی، رضا (۱۳۹۳). *آموزش حقوق بشر*، تهران: مجد.
۲. استنلی، پاول (۱۳۹۱). *حقوق حفظ اسرار*، محمد حسینی و کیلی مقدم، تهران: همگان.
۳. انصاری، باقر (۱۳۹۳). *حقوق حریم خصوصی*، چ چهارم، تهران: سمت.
۴. زندی، محمدرضا (۱۳۸۹). *تحقیقات مقدماتی در جرائم سایبری*، چ اول، تهران: جنگل.
۵. کری، پیتر، جو ساندرز (۱۳۸۶). *حقوق رسانه‌ها*، حمیدرضا ملک محمدی، چ اول، تهران: میزان.

ب) مقالات

۶. اسلامی، محسن (۱۳۸۴). «وبای شهرت»، *نقد کتاب اخلاق و علوم تربیتی*، ش ۲، ۱۴۶-۱۳۷.
۷. انصاری، باقر (۱۳۸۳). «حریم خصوصی در رسانه‌های همگانی»، *پژوهش‌های ارتباطی*، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۲۳۱-۱۹۴.
۸. رحمدل، منصور (۱۳۸۴). «حق انسان بر حریم خصوصی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۷۰.
۹. شکرخواه، یونس (۱۳۸۵). «اخلاق حرفه‌ای، یک بستر و یک جهان رؤیا»، *رسانه*، ش ۶۶، ص ۱-۷.

۱۰. کلنر، داگلاس (۱۳۸۵). «فرهنگ رسانه‌ای و پیروزی نمایش»، اسماعیل یزدان‌پور، رسانه، ش ۶۷، ص ۲۱۸-۱۸۱.

۲. انگلیسی

A) Books

11. Callender Smith (2014). *Celebrity privacy and the development of the judicial concept of proportionality: How English law has balanced the rights to protection and interference*, Queen Mary University of London Centre for Commercial Law Studies
12. Colvin, Madeleine (2002). *Developing key privacy rights*, Oxford Portland, Oregon, 507-522.
13. Kiern, Matthew (2000). *David Archard, Privacy the Public, in Media Ethics*, London, Routledge.
14. Kilkelly, Ursula (2003). *The right to respect for private and family life*, Human rights handbooks, General of Human Rights Council of Europe.
15. Roagna, Ivana, (2012). *Protecting the right to respect for private and family life under the European Convention on Human Right*, Council of Europe human rights handbooks.
16. Wacks, Reymond (2010). *Privacy a Very Short Introduction*, Oxford.
17. Westin, Alan F, (1967). *Privacy and Freedom*, New York Atheneum

B) Articles

18. Alach, Patrick J, (2008). "Paparazzi and Privacy", *Loyola of Los Angeles Entertainment Law Review*, vol.28, 205-238.
19. Carnegie, LP, (1998). "Privacy And The Press: The Impact Of Incorporating The European Convention On Human Rights In The United Kingdom", *Duke Journal Of Comparative & International Law*, 311-342.
20. Choul Hong, Seong, (2016). "Kids Sell: Celebrity Kids' Right to Privacy", *Department of Journalism & Communication, Kyonggi University, Seoul*, 1-13
21. Cohen-Almago, A. Raphael, (2003). "Privacy - Two Episodes: Princess Diana's Death and Les Editions Vice-Versa Inc. v. Aubry", *International Journal of Communications Law and Policy*, issue 7, 1-24.
22. Kenyon, Andrew T, Mline, Esther (2005). "Images Of Celebrity: Publicity Privacy, Law", *Media & Arts Law Review Cambridge University Press*, 10(4), 2-24.
23. Leslie, Larry z, (2011). "Celebrity in the 21st Century", *contemporary World Issues*, Vol 1.
24. Maralyan, Anna, (2012). "Comparative Analysis of the Protection of Private Life of Public Officials and Public Figures Guaranteed by the Constitution of the United States and European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms", *Tufts University Fletcher School of Law and*

Diplomacy, 1-30.

25. Nordhaus, Jamie E, (1999). "Celebrities Rights to Privacy How Far Should The Paparazzi be Allowed to go?", *The Review of Litigation*. Vol. 18:2,286-315.
- 26-Price, Terry L,(2014). "Political Leadership and the Social Value of Privacy", *Philosophy and Public Policy Quarterly*, VOL. 32, NO. ۳,2-4.
27. Schaf, Jennifer,(2006). Shooting For The Stars: A Call For Federal Legislation To Protect Celebrities' Privacy Rights, *Buffalo Intellectual Property Law World Journal*, Vol 3:2, 164-195.
28. Smet, Stijn,(2010). "Freedom of Expression and the Right to Reputation: Human Rights in Conflict", *American University International Law Review*, Vol 26|Issue 1, 184-236.
29. Spearman QC, Richard,(2006). "Is there a public interest in exposing details of the private lives of celebrities?" ,*Oxford University Law society*,1-8.
30. Tomlinson QC, Hugh, Chambers, Matrix, Thomson, Mark, (2003). "Confidence, Privacy and Damages: Hello! to Clarity", *New Law Journal*,1-3.
31. Whittle, Stephen, Cooper, Glenda (2009). "Privacy, probity and public interest", *Reuters Institute for the Study of Journalism of the University of Oxford*.

C) Documents

32. CCPR, (1988). General Comment No 16: Article 17 (Privacy).
33. ECHR, Mosley v. The United kingdom, (2011)
34. ECHR, Niemietz v Germany (1993)
35. ECHR, Von Hanover v. Germany(2004)
36. European Convention For The Protection Of Human Rights And Fundamental Freedoms (1950)
37. International Covenant on Civil and Political Rights (1966)
38. international principles of professional ethics in journalism (1983)
39. Islamic Declaration of Human Rights (1990)
40. Nordic conference of jurists on respect for privacy (1976).
41. Press Council Declaration of Principel on Privacy in the Uk (1976)
42. Resolution 1165 (1998) available at <http://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-en.asp?fileid=16641&lang%20=en>
43. The Tehran Declaration (1943)